

رقابت تسلیحاتی و امنیت منطقه خلیج فارس

نویسندگان:

مehsan خالدي

جفراماني خجسته

سیدمسعود امیرموی



سرشناسه: خالدی، احسان، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور: رقابت تسلیحاتی و امنیت منطقه خلیج فارس / نویسندگان احسان خالدی، جعفر
امانی خجسته، سیدمحمد رضا موسوی.
مشخصات نشر: تهران: نشاء، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص: ۵/۲۱×۱۴/۱۴ س.م.
شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۶-۳۴-۷۰۵۸-۹۶۴-۹۷۸-
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: امنیت ملی — خلیج فارس، منطقه
موضوع: National security — Persian Gulf Region
موضوع: امنیت بین‌المللی

موضوع: Security, International
موضوع: خلیج فارس، منطقه — روابط نظامی
موضوع: Persian Gulf Region — Military relations
موضوع: خلیج فارس، منطقه — جنبه‌های استراتژیکی
موضوع: Persian Gulf Region — Strategic aspects

شناسه افزوده: امانی خجسته، جعفر، ۱۳۵۸-
شناسه افزوده: موسوی، سید محمد رضا، ۱۳۷۷-
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷/۲۷/خ/۲۱۳۷/DS
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۳۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۱۱۷۰



انتشارات نشاء

عنوان: رقابت تسلیحاتی و امنیت منطقه خلیج فارس

ناشر: نشاء

نویسندگان: احسان خالدی، جعفر امانی خجسته، سیدمحمد رضا موسوی.

تیراژ: ۵۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

انتشارات نشاء

آدرس: نارمک - م. ۳۳ - ک. اربابیان - پ. ۱۵ - ط. همکف

تلفن: ۷۷۹۴۵۸۱۳

فهرست مطالب

۹

مقدمه

۷۱

فصل اول: مبانی نظری

۱۷

جغرافیای سیاسی

۱۹

الف) نظریه سلاک و سرایبر

۲۰

ب) تئوری قلب زمین (هرتلتن) مکیندر

۲۲

ج) تئوری قدرت دریایی ماهاان

۲۳

د) تئوری ریملند اسپایکمن

۲۴

رهیافت نظری

۲۸

ماهیت سیاسی کشورهای خلیج فارس

۳۲

ایران

۳۳

عراق

۸۳

کویت

۴۰

عربستان سعودی

۴۷

بحرین

۵۰

قطر

۵۲

امارات متحده عربی

۵۵

عمان

۶۱ فصل دوم: شکل بندی های امنیتی خلیج فارس

۶۲ آغاز استعمار

۶۷ جایگزینی آمریکا

۶۸ نظام دو ستونی (دکترین نیکسون-کسینجر)

۷۴ موازنه قوا (دکترین کارتر)

۸۷ سیاست چهار وجهانه

۹۶ دوران ۱۳۵۷-۲۰۰۱ (به بعد)

۱۰۷ فصل سوم: الگوهای مدیریت سیاسی در خلیج فارس

۱۰۷ شورای همکاری خلیج فارس

۱۱۱ حضور آمریکا

۱۱۸ پایگاه های آمریکا

۱۳۰ کشورهای دارای اکثریت شیعه

۱۳۴ اتحاد کشورهای محافظه کار

۱۴۳ فصل چهارم: رقابت تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس

۱۴۳ ماهیت و ویژگی های منطقه خلیج فارس: خاستگاه و محرک رقابت تسلیحاتی

۱۴۳ ۱- جغرافیای طبیعی منطقه خلیج فارس

۱۴۴ ۲- علل اهمیت منطقه خلیج فارس: ویژگی های مولد رقابت تسلیحاتی

۱۴۵ الف- منابع عظیم نفت و گاز (جایگاه برتر کنونی و آینده)

۱۴۷ ب- تجارت بین الملل (مزیت های مساعد اقتصادی و تجاری)

۱۴۸ ج- نقش ایدئولوژیک و استراتژیک منطقه

۱۵۰ د- تنگه هرمز به عنوان یک آبراهه استراتژیک

۱۵۱ و- ویژگی های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه

۱۵۳	اهداف رقابت تسلیحاتی
۱۶۳	نقش آمریکا در رقابت تسلیحاتی منطقه خلیج فارس
۱۶۹	هزینه‌های نظامی خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰
۱۷۵	هزینه‌های نظامی خلیج فارس بعد از ۲۰۰۰

۱۸۵	فصل پنجم: ملیناریزاسیون عربستان سعودی
۱۸۵	نظامی گر عربستان
۱۸۷	منطق خرید های تسلیحاتی
۱۸۸	امکانات خرید
۱۹۰	رقابت ایران و عربستان
۱۹۷	روابط آمریکا و عربستان
۱۹۹	رقابت ایران و آمریکا
۲۰۲	رویارویی با ایران
۲۰۵	منابع و مآخذ

مقدمه

خلیج فارس یکی از مناطق جغرافیایی است که از زمان‌های گذشته این عنوان را گرفته و در سال‌های اخیر به مثابه مهم‌ترین بخش دنیا در مرکز توجه همگان قرار گرفته است. منطقه خلیج فارس مهم‌ترین قطب تأمین نفت دنیا در نیمه دوم قرن بیستم بوده و پیمایی بین‌المللی بود که در نیمه اول قرن بیست و یکم با کاهش و یا پایان پذیری ذخایر نفتی سایر نقاط جهان از جمله آلاسکا و دریای شمال بر موقعیت و جایگاه راهبردی (ژئواستراتژیک) و زمین اقتصادی (ژئواکونومیک) این منطقه افزوده شود.

با توجه به مجموعه تحولات قرن بیستم و همین‌طور در آغاز قرن بیست و یکم شاید بتوان به راحتی ادعا کرد که مرکز ثقل ژئوپلیتیک نظام بین‌الملل در این مدت بعد از اروپا منطقه خلیج فارس بوده است. طبیعی است که دلیل اصلی توجه فرامنطقه‌ای به خلیج فارس ذخایر عظیم انرژی است. تغییرات دینامیک بحران مشروعیت در بسیاری از کشورهای عربی، گسترش اپوزیسیون در این منطقه، انقلاب اسلامی ایران، وقوع سه جنگ در منطقه خلیج فارس و بسیاری از تحولات دیگر با اساس‌های مختلف، نتوانسته‌اند از اهمیت و مرتبط بودن انرژی بکاهد و یا به‌طور جدی به تهدید و صادرات آن صدمه بزنند. وابستگی شدید کشورهای این منطقه به درآمدهای نفتی و همین‌طور وابستگی دنیای صنعتی به انرژی ارزان و با ثبات منطقه خلیج فارس، همچنان برجستگی موضوع انرژی و استراتژیک بودن منطقه را برای قدرت‌های بزرگ حفظ کرده است.

خلیج فارس منطقه‌ای حساس و حیاتی است که از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی دارای اهمیت فراوانی است و تئوری پردازان سرشناس در حوزه ژئوپلیتیک

همواره ارزش و اهمیت این منطقه را مد نظر داشته‌اند، به گونه‌ای که هم در نظریه قدرت دریایی آلفرد تایرماهان، و هم نظریه‌های قدرت زمینی هالفورد مکیندر (نظریه هارتلند) و نیکولاس اسپایکمن (نظریه ریملند) موقعیت ویژه خلیج فارس مورد توجه قرار گرفته است.

اگر چه توجه جهان به خلیج فارس در حال حاضر عمدتاً به دلیل منابع غنی نفت و گاز آن است ولی در اعصار بسیار دور این آبراه محل عبور کالاهای تجاری برای ملل گوناگون بوده است. هخامنشیان، یونانیان، مقدونیان، پارتی‌ها، رومی‌ها، ساسانیان و اعراب در زمان حکم‌نشی بر این منطقه و یا مناطق آن، خلیج فارس را که به «دریای پارس» معروف بود، هم بر مسیر اتصال شرق به غرب می‌دانستند.

خلیج فارس از دیرباز مورد توجه جهانگشایان و قدرت‌های استعماری بوده است. پرتغالی‌ها، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و بریتانیا آمریکاها این منطقه را به عنوان سرپلی برای نفوذ اقتصادی، سیاسی و بازرگانی ندیده‌اند. بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی که منجر به شکل‌گیری واحدهای سیاسی خلیج فارس شد انگلستان قیمومیت آن‌ها را بر عهده گرفت و نفوذ خود را در منطقه افزایش داد تا امنیت منطقه را نیز تضمین کند. در سال ۱۹۷۱ انگلستان نیروهای خود را از شرق سوئز و خلیج فارس خارج کرد تا این بار نوبت به ابرقدرت دیگر، یعنی ایالات متحده آمریکا برای اجرای نقش مداخله‌گر و مسلط در خلیج فارس برسد. از این تاریخ به بعد آمریکا طرح‌های امنیتی خود را در منطقه در قالب نظام دو ستونی، مهار دو جانبه، نظام نوین جهانی، مبارزه با تروریسم به اجرا درآورد.

کشورهای این حوزه با جمعیت بیش از صد میلیون نفر و درآمد سرشار نفت، یکی از بزرگ‌ترین بازارهای صدور کالا و تسلیحات نظامی به شمار می‌آیند. وجود تنش‌های بالفعل و بالقوه، که بعضی از آن‌ها ریشه در خارج و برخی دیگر ناشی از شرایط داخلی

کشورهاست توجه نخبگان سیاسی این کشورها رابه سمت نظامیگری سوق داده است و نگرانی این کشورها را از افزایش توان همسایگانشان را به دنبال داشته است، وجود ثروت بی کران نفت سرعت این مسابقه را تسریع بخشیده است و منطقه را به انباری از سلاح و مهمات بدل کرده است. در این میان عربستان سعودی با داشتن بیشترین منابع نفتی و حمایت‌های غرب بیشترین خریده‌ها را صورت داده و توازن قدرت را در منطقه به نفع خود تغییر داده است این فرض از طریق خریده‌های تسلیحاتی پیشرفته و رقابت با ایران در زمینهٔ هسته‌ای نفوذ در منطقه قابل اثبات است.

یکی از مشکلات سرّاع شده همگرایی در خلیج فارس رقابت تسلیحاتی در سطح منطقه است. کشور های حوزه خلیج فارس در زمره واحدهای صادر کننده نفت می‌باشند، بنابراین از جایگاه اقتصادی لازه برای خرید تسلیحات و امنیت سخت افزاری برخوردارند. این امر منجر به شکل گیری رابنه معمّای امنیت می‌شود، معمّای امنیت را می‌توان عامل اصلی رقابت تسلیحاتی دانست.

در این کتاب تلاش می‌شود تا تأثیر رقابت تسلیحاتی، بر امنیت منطقه‌ای این حوزه مورد بررسی قرار گیرد و بر پیامدهای این رقابت، در حیث احتمال برتری عربستان سعودی تمرکز دارد. خلیج فارس منطقه‌ای است که برای سلاهای پیشرفته جنگی اشتهاى بسیاری داشته و دارد و مخالفت‌های سیاسی موجود در آن، به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است. ثروت نفت کشورهای ساحلی، عامل مهمی در نظامی‌گری منطقه است و از دو بعد قابل توجه است: اولاً ماهیت استراتژیک نفت، قدرت‌های خارجی را خواهان انتقال نیروهای نظامی و به کارگیری نیروهای کشورهائشان برای دفاع از این ساده حیاتی کرده است. ثانیاً درآمد نفت دولت‌های ساحلی خود عامل اصلی تأمین مالی خرید و توسعه سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته است. مسابقه تسلیحاتی در بین

کشورهای منطقه خلیج فارس، مسابقه‌ای برای دستیابی به پرستیژ و به دست آوردن موقعیت خاص در میان دیگر کشورهای منطقه محسوب می‌گردد و کشورهای منطقه به این باور رسیده‌اند که برای حفظ حکومت و حاکمیت خویش ناچار به اتخاذ چنین استراتژی هستند.

نیاز کاذب این کشورها به تسلیحات و واردات هنگفت تجهیزات نظامی اگرچه بخش بزرگی از بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهد، اما کمتر ضامن امنیت آنها بوده است. این منطقه در دو سه دهه اخیر شاهد دو جنگ عمده میان نیروهای منطقه‌ای و یک جنگ در میان یک نیروی منطقه‌ای با یک نیروی فرامنطقه‌ای بوده است. از این رو جوی اعتمادی میان برداشت‌های حاکمان سیاسی نسبت به یکدیگر وجود دارد که البته به وسیله اختلافات در نه‌ای که میان کشورها وجود دارد تشدید می‌شود. این اختلافات تاریخی که چنان‌که در زمان کنه‌ای هر از چند گاهی سر باز می‌کند و منطقه را به آتش جنگ یا تنش دچار می‌سازد، که از درگیری‌های ارزی و مرزی میان این کشورها سرچشمه می‌گیرد. بنابراین بدیهی است که سرانه قابل ملاحظه‌ای از درآمد ملی این کشورها صرف خرید جنگ افزارهای نظامی می‌شود تا قدرت بازدارندگی خود را در برابر احتمال حمله دیگران افزایش دهد. در عین حال از این نکته نباید غافل شد که نظام‌های سنتی مذکور، با استفاده از فرصت و امکانات در تحلیل موقعیت خود موفق بوده‌اند و از این رهگذر توانسته‌اند برای مدت‌ها بدون دغدغه تسلیحاتی را که ذاتی چنین حکومت‌هایی است دفع و سرکوب نمایند. در واقع نظامی‌گری در بعد خارجی به ناامنی و رقابت مسلحانه منجر می‌شود، اما در بعد داخلی به عنوان یکی از متغیرهای مهم تأمین امنیت است.

در این منطقه سه کشور قدرتمند ایران، عربستان و عراق وجود دارد که از چند دهه گذشته در رقابت شدیدی برای کسب رهبری منطقه به سر می‌برند. عراق در حال حاضر

به دلیل شرایط داخلی‌اش که بعد از سقوط صدام با آن مواجه شده، توجه خود را از محیط منطقه‌ای به داخل کشور معطوف کرده است. بنابراین در شرایط موجود رقابت بین ایران و عربستان در جریان است که در زمینه‌های رهبری منطقه، تفسیر اسلام... با هم در رقابتند، این وضعیت را از طریق خریده‌های تسلیحاتی دو کشور می‌توان مشاهده کرد.